



رازهای پشت حرف های ضد و نقیض مدرس ها

چرا مدرس ها حرف های ضد و نقیض زیادی می زنند؟ یعنی یک مدرس یک راه حل ارائه می دهد و مدرس دیگری در همون حوزه می گه اون راه حل کاملاً اشتباه است و اون حرف را گوش نکنید. من می خواهم چند تا نکته اشاره کنم که بهتر است به این نکات با دقت بیشتری توجه کنیم و عمق این موضوع رو به کم درک کنیم.

نکته اول: وجود راه های متعدد

در بسیاری از حوزه ها به هیچ وجه یک راهکار یا مراحل مشخصی برای رسیدن به یک نقطه وجود ندارد. منظورم اینه که راه های زیادی وجود داره و همیشه گفت که حتماً این راه درسته یا یک راه دیگه. مثلاً ما می خواهیم کسب و کارمونو رشد بدیم و فروشمون رو بیشتر کنیم. آیا باید قیمت محصولاتمون رو بالاتر ببریم یا پایین تر بیاریم؟

نکته دوم: توجه به کانتکست

خیلی مهم اینه که ما یک قسمت از حرف یک مدرس رو جدا می‌کنیم و این رو معیار قرار میدیم و توجه نمی‌کنیم اون مدرس در چه کانتکست یا در چه بافتاری این حرف رو زده. یکی از بهترین مثال‌ها خود من هستم که یک روز در بندر عباس همایش داشتم. در همایش صبح گفتم اگر می‌خواهید یک ایده کسب و کاری اجرا کنید، تا زمانی که از افراد زیادی نپرسید که این ایده جواب میده یا نه، به هیچ وجه اجرا نکنید. اما در یک کارگاه کوچک‌تری از کارآفرینان حرفه‌ای گفتم که اگر ایده خوبی به ذهنتون می‌رسه، با هیچ‌کسی مشورت نکنید و فقط خودتون تصمیم بگیرید.

نکته سوم: تجربیات شخصی

بسیاری از مدرس‌ها بخشی از تجربیات خودشون رو آموزش می‌دهند و این تجربیات شاید خیلی جامع نباشه و همیشه صدق نکنه. من سال‌ها پیش با یک مدیری کار می‌کردم که معتقد بود تنها راه خوب مدیریت اینه که با کارکنان خیلی سخت‌گیر باشه. این تجربه مقطعی بوده و شاید در شرایط خاصی جواب بده، اما در بلندمدت ممکنه کارکنان خوبش رو از دست بده.

نتیجه‌گیری

به عنوان مدرس و یادگیرنده، باید قبول کنیم که حرف‌های ضد و نقیض زیادی وجود داره. سعی کنیم با شرایط خودمون کدوم مناسب‌تره یا حتی هر دو رو تست کنیم. همچنین به مدرس‌ها توصیه می‌کنم که در حوزه‌هایی مثل علوم انسانی و کسب و کار، روی ایده‌های خودمون اصرار نکنیم و به یادگیرنده‌ها امکان انتخاب بدهیم.